

## متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(ر)</sup>

ابراهیم رحیمی زنگنه<sup>۱</sup>

سحر یوسفی<sup>۲</sup>

### چکیده

پارادوکس یا متناقض‌نما، یکی از شیوه‌های آشنایی‌زدایی است. متناقض‌نمایی از ویژگی‌های شعر فارسی به شمار می‌رود که در اشعار عرفانی، از جمله غزلیات عرفانی دیوان اشعار امام خمینی<sup>(ر)</sup> نیز جایگاهی ویژه دارد. در کنار استدلال‌های برهانی و منطقی‌ای که در شخصیت امام برجسته است، با بررسی دیوان اشعار ایشان بُعد دیگری از ابعاد برجسته شخصیت‌شان آشکار می‌شود. حضرت امام<sup>(ر)</sup> در مقام یک عارف، برای بیان تجربه‌های ژرف عرفانی‌شان زبانی جز متناقض‌نما نمی‌باید تا هم مخاطب عادت‌زده را به لذت ادبی برساند و هم از عهده بیان مقصود خویش برآید. این نوشتار بر آن است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی ساختمان تصویرهای پارادوکسی را در دیوان اشعار امام خمینی<sup>(ر)</sup> بررسی کند و پیوند مفاهیم متناقض‌نمایی را در اشعار عرفانی ایشان بکاود.

**واژگان کلیدی:** عرفان، آشنایی‌زدایی، پارادوکس، اشعار عرفانی و دیوان امام خمینی.

۱. عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول)  
erahimi2009@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه  
sahar.yosefi69@gmail.com

تاریخ پذیرش

۹۶/۹/۱۳

تاریخ دریافت

۹۶/۷/۱۵

## مقدمه

متناقض‌نمایی، شگردی زبانی است که با شکستن هنجارها موجب برجستگی زبان و معنا می‌شود. هرچند متناقض‌نمایی در ادبیات پیشینه‌ای کهن دارد؛ اما اوج بهره‌گیری از این صنعت در غزل‌های عرفانی سرایندگان شعر فارسی است. پارادوکس پیوندی جدایی‌ناپذیر با عرفان دارد و جزء لاینفک ویژگی‌های زبانی عارفان شعر فارسی است که معانی ژرف و دیریاب عرفانی با این زبان بیان می‌شود تا مخاطب عادت‌زده را به تأمل و ادارد. از آنجا که شناخت متناقض‌نمایی در فهم زبان شعر اهمیت شایانی دارد، شعر امام می‌تواند به عنوان یکی از روشن‌ترین و مطمئن‌ترین مأخذ شناخت جهان‌بینی و جامعه‌نگری ایشان باشد. امام، از شعر به عنوان یک دریچهٔ صریح برای بیان حرف‌های دل خویش استفاده کرده‌اند؛ بنابراین شعر گفتن امام<sup>(۲)</sup> به نوعی گریز از غربت جهان مادی و روی آوردن به خلوت انس است.

نحوهٔ زندگانی خود امام<sup>(۳)</sup> هم می‌تواند در حکم پارادوکسی باشد که بدون شناختن زوایای مختلف آن، شناخت اندیشه‌ها و تعالیم‌شان را غیرممکن می‌سازد. چنان که حسین مولانا یکی از دانشمندان جهان اسلام در توصیف شخصیت امام<sup>(۴)</sup> می‌گوید: «او مرد خداست، مرد نجواست، مرد رزم و سجاده است، از یک طرف به دنیا پشت پا زده و از طرف دیگر برای نجات بشریت با تمام دیوان و ددان زمانه می‌جنگد» (دادستانکی بیرکی، ۱۳۸۶: ۱۸۴)؛ از همین روست که غالب پارادوکس‌های امام خمینی در غزل‌های شورانگیز عرفانی‌اش جلوه دارد. در این نوشتار برآنیم تا پارادوکس را به عنوان یکی از روش‌های آشنایی‌زدایی، به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی در زبان شعر عرفانی ایشان بررسی کنیم.

## پیشینهٔ پژوهش

پارادوکس یا متناقض‌نما، یکی از مباحث اغلب کتاب‌های بلاغت و بهویژه بدیع معنوی است. تا کنون دربارهٔ آن پژوهش‌هایی به شکل کتاب و مقاله انجام شده است. از پژوهش‌های کتابی می‌توان به مواردی اشاره داشت. فتوحی در بلاغت تصویر (۱۳۸۵) به بحث متناقض‌نما پرداخته و شمیسا هم در نگاهی تازه به بدیع (۱۳۸۶) به تعریف این اصلاح ادبی و پیوند آن با عرفان و شطحیات توجه داشته است. از پژوهش‌های نسبتاً جامعی که دربارهٔ متناقض‌نما در قالب کتاب انجام شده، می‌توان به متناقض‌نمایی در شعر فارسی

## ٤٠ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

(۱۳۷۷) اشاره کرد. چناری در این اثر ابتدا تعریف جامعی از متناقض‌نما در لغت و اصطلاح ارائه داده و سپس رابطه متناقض‌نمایی را با شطح و تفاوت آن را با تضاد تبیین ساخته و در پایان کار هم اشکال مختلف متناقض‌نمایی را در ادوار شعر فارسی و به ویژه اشعار مولوی بررسی کرده است. از جمله پژوهش‌هایی که در قالب مقاله با موضوع پارادوکس انجام شده هم می‌توان به مواردی اشاره داشت. وحیدیان کامیار (۱۳۷۶) در مقاله‌ای پیشینهٔ پارادوکس را در شعر و ادب فارسی بررسی و ساختمان‌های مختلف و اشکال پارادوکس را بر مبنای دستور زبان تقسیم‌بندی کرده است. وزیله (۱۳۸۶) در مقاله‌ای ساختار پارادوکس را در غزلیات حافظ بررسی کرده و به چرایی استفاده از این شگرد در زبان حافظ پرداخته است. احمد گلی و سردار بافکر (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به اقسام اشکال پارادوکس همراه با نمودار در دیوان صائب پرداخته و عوامل پیدایش آن را در شعر وی کاویده است. حائری و رحیمی زنگنه (۱۳۸۹) به بررسی تقابل ساحت وجودی آدمی در نگاه مولانا پرداخته و پارادوکس‌های عرفانی مثنوی را بر اساس نظریه تعدد مصاديق بررسی کرده‌اند. بتول واعظ و پارسا (۱۳۹۰) به تفسیر و تعبیر مفاهیم پارادوکسی در مثنوی معنوی و غزلیات شمس پرداخته و پیوند این مفاهیم را با عرفان کاویده‌اند. واعظ و صدری (۱۳۹۱) هم در مقاله‌ای به بررسی خاستگاه متناقض‌نمایی در سبک شخصی حافظ، تفسیر و تحلیل اشکال پارادوکس در غزلیات وی پرداخته‌اند. یوسفی و حیدری (۱۳۹۱) هم در مقاله‌ای نور سیاه را به عنوان یکی از تصویرهای برجستهٔ پارادوکس در آثار احمد غزالی بررسی و جایگاه نور را در آموزه‌های عرفانی تبیین کرده‌اند؛ اما تا کنون در قالب هیچ نوشتاری به متناقض‌نمایی در اشعار امام خمینی پرداخته نشده. این نوشتار بر آن است تا اشکال و مفاهیم پارادوکسی را در اشعار عرفانی دیوان امام خمینی بکاود و پیوند مفاهیم عرفانی را با زبان پارادوکسی ایشان بررسی کند.

### ۱. مفهوم‌شناسی پارادوکس و پیوند آن با ادبیات عرفانی

متناقض‌نمایی هنری یا پارادوکس که هم در آثار منظوم و هم آثار منثور به کار می‌رود، یکی از اشکال برجسته‌سازی زبان است که در لغت «از para به معنی دور، از آن سوی و dokein از dox به معنی اندیشیدن. روی هم یعنی دور از عقل و اندیشه، خلاف فکر و انتظار» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱۱). در فرهنگ اصلاحات ادبی هم ذیل این اصطلاح آمده است: «پارادوکس آن است که در سخن کلماتی کنار هم به کار می‌روند که از لحاظ معنی خلاف

یکدیگرند. این صنعت به صورت ترکیب اضافی و غیراضافی به کار می‌رود» (اسفندیارپور، ۱۳۸۸: ۵۷).

در رابطه با پیشینه متناقض‌نما در شعر فارسی و ارتباط آن با عرفان باید گفت که در اشعار باقی مانده از سده‌های نخستین بعد از ظهر اسلام متناقض‌نمایی دیده می‌شود و به یقین اندیشه‌هایی چنین ژرف یکباره سر بیرون نمی‌آورد. حتی در مضمون شعرهای پیش از اسلام هم بیان پارادوکسی قابل پیگیری است (ر.ک: چناری، ۱۳۷۷: ۶۷)؛ بنابراین «تمونه تصاویر پارادوکسی را در شعر فارسی و در همه ادوار می‌توان یافت. در دوره‌های نخستین اندک و ساده است و در دوره گسترش عرفان و به ویژه در ادبیات معانه بسیار است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۵۷). سنایی هم نخستین شاعری بود که به شکلی فراوان پارادوکس را در اشعار خود به کار برد. هم او بود که مضامین عرفانی را هم به طور گسترده در آثار خود آورد (ر.ک: چناری، ۱۳۷۷: ۵۷-۵۸).

پارادوکس در کتب بدیع به عنوان مهم‌ترین نوع تضاد در ادبیات و یکی از مختصات مهم م-ton عرفانی معرفی می‌شود (ر.ک: شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۱۲-۱۱۱). پارادوکس از یک سو با شعر پیوند دارد و «نه تنها بر بلاغت و زیبایی کلام می‌افزاید؛ بلکه جوهره شعری هم دارد» (وزیله، ۱۳۸۶: ۱۵۸). از سوی دیگر نیز با عرفان گره می‌خورد و «یکی از مختصات مهم گسستنی عرفانی است» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۱۲) که پیوند آن با شعر و به ویژه اشعار عرفانی گسستنی نیست. اصولاً متناقض‌نما در بیان ادبی هم قابل حذف نیست، چنان که دیچز زبان تنافق را زبانی مناسب و اجتناب‌ناپذیر برای شعر می‌داند: «این عالم است که حقایق مورد نظر او، محتاج بررسی پیراسته از هر تنافق است، اما ظاهراً به حقیقتی که شاعر بیان می‌کند، می‌توان از طریق تنافق دست یافت. تناقضات از ماهیّت زبان شعر ناشی می‌شود» (دیچز، ۱۳۷۰: ۲۵۱). این امر زمانی بیشتر نمود می‌باید که زبان در خدمت بیان حقایق عرفانی قرار می‌گیرد. جای تعجب و شگفتی ندارد که مفهوم‌های ماورائی، فراغلی و فراغرفی در عرفان به بیان پارادوکسی عرضه شود؛ چرا که منش‌های عرفانی در حقیقت برخلاف عرف و عادت است. از مهم‌ترین عواملی که منجر به تنافق‌گویی در عارفان می‌شود، به موارد زیر می‌توان اشاره داشت: «عجز خرد و حواس در ادراک روحانی، نارسایی زبان در بیان این حقایق، امکان جمع اضداد به اراده حق در عالم فنا، دوگانگی وجود انسان و تضادهای درون او و اینکه اضداد مکمل یکدیگرند» (چناری، ۱۳۷۷: ۱۰).

## ۴۲ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

بنابراین پارادوکس جزء جدایی‌ناپذیر عرفان و مفاهیم عرفانی‌ای است که خالی از مفاهیم مهم فلسفی نیست: «پارادوکس نه تنها یک صنعت بدیعی یا تصویر شاعرانه است، بلکه اصطلاح و مفهومی منطقی، فلسفی و جهان‌بینانه است» (مرتضایی، ۱۳۸۵: ۲۱۷). این مفهوم برای کسانی که دارای تجربه‌های عرفانی در کنار تفکراتی ژرف و حکیمانه‌اند، جلوه‌ای بارز دارد و به خوبی می‌تواند معرف جهان‌بینی و گستره اندیشه آفریننده آن باشد (ر.ک: استیس، ۱۳۶۷: ۳۱۸)؛ از همین روست که اصل نظریه «مفهوم ناپذیری» احوال عرفانی مورد تأیید عارفان بسیاری بوده است. عرفای با وجود استفاده از زبان، همواره بر این باورند که تجربه‌هایشان بیان‌ناپذیر و زبان برای بیان این تجربه‌ها نارسا و یا به کلی بی‌فایده است؛ از این روی کلماتی را که به کار می‌برند، از عهده آنچه می‌خواهند بگویند، ذاتاً ناتوان می‌دانند (ر.ک: همان: ۱۰۳-۱۰۱).

### ۲. جایگاه پارادوکس در آشنایی‌زدایی

آشنایی‌زدایی، یکی از اصطلاحاتی است که در مکتب صورتگرایان کاربرد بسیاری دارد و از مهم‌ترین نظریه‌های این مکتب به شمار می‌آید (ر.ک: سلدن و ویدوسون، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۰). آشنایی‌زدایی با نو کردن ساخت و صورت امکان می‌پذیرد. از بنیانی‌ترین مفاهیم نزد صورتگرایان هم، مفهوم تقابل‌های دوگانه است که بنیاد تفکر انسان بر آن استوار است (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۸۴-۱۸۳). هرچند پیشینه بیگانه‌سازی و غریبه کردن زبان، خاص صورتگرایان نیست؛ اما از آنجا که شیوه‌ها و شگردهای آن در این مکتب به شدت مورد توجه بوده، خواه ناخواه با نظریات فرمالیسی پیوند می‌خورد (ر.ک: احمدی، ۱۳۷۲: ۴۸-۴۹).

کار زبان، آشنایی‌زدایی است و یکی از روش‌های بر جسته در آشنایی‌زدایی، بیان پارادوکسی است (ر.ک: وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۹۴-۲۹۳)؛ از همین روست که صورتگرایان برای روش‌های آشنایی‌زدایی و به ویژه پارادوکس ارزش ویژه‌ای قائل‌اند، چراکه «از نظر صورتگرایان، کار هنرمند آشنایی‌زدایی است و زدودن غبار از عادت چشم ما. آشنایی‌زدایی در همه هنرها بی‌نهایت است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۹۵).

از آنجا که نظام ذهنی بشر، نظامی عادتی و مبتنی بر روابط علی و معلولی است و «ما در درون نظامهای علی و معلولی زندگی معمول خود را می‌گذرانیم و تمام پدیده‌های جهان را منطبق با منطق عادت خویش و قوانین ثابت طبیعت معنی می‌کنیم، پارادوکس از طریق

## \_\_\_\_\_ متنافق‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۴)</sup> ۴۳ (۳۸-۵۹)

عادت‌شکنی و مخالفت با منطق، اعجاب ذهن را برمی‌انگیزد» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲۹). از یک سو هم «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳) و از سوی دیگر هم «مکاشفات عارفانه و تجربه‌های ژرف شاعرانه قلمرو رویش محالات عقلی و تناقض‌های روحی است» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۳۲۶); بنابراین زبان وقتی کارکرد آشنایی‌زدایی می‌یابد، یکی از شیوه‌های برجسته آن بیان متنافق‌نمایست. بیان متنافق‌نمای هم با زبان بیگانه نیست؛ بلکه ذهن مخاطبان را با عادت‌شکنی به شگفتی وامی دارد و بیان تجربه‌های عرفانی را برای گوینده راحت‌تر می‌سازد.

### ۳. پارادوکس در دیوان اشعار امام خمینی

عارف دریافت‌های عرفانی خود را که شامل اندیشه‌های درونی و حقایق ماورائی است، در قالب الفاظ بیان می‌کند؛ اما زبان هرچند که پخته و کامل باشد، در ادای تام و تمام تجربه‌های عارف ناتوان است. این مسئله به بیان ناپذیری معرفت عرفانی تعبیر شده است. بررسی دیدگاهها و آثار عرفا از جمله اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۵)</sup> و تحلیل زبان آثار او، حاکی از آن است که سخن وی آنجا که به بیان عقاید نظری می‌پردازد، با زبان عبارت و به شیوه استدلالی و نقلی است و آنگاه که از مواجهید عرفانی خود سخن به میان می‌آورد، زبانی اشارت‌گونه می‌یابد. به طوری که از همه ظرفیت‌های زبان نظیر استعاره، تمثیل، رمز و نماد بهره می‌گیرد تا اندکی از آنچه با مکاشفات صوفیه که به آن رسیده است، پرده بردارد.

پارادوکس، یکی از روش‌های آشنایی‌زدایی در دیوان اشعار امام خمینی<sup>(۶)</sup> است. این شکل از آشنایی‌زدایی در ۷۴ بیت از ۱۷۰۰ بیت دیوان امام بسامد دارد. هرچند پارادوکس از نظر هنری و زیبایی محل توجه است و با این بسامد در دیوان اشعار امام، چندان چشمگیر نیست؛ اما از آنجا که طبع آزمایی امام در این مقوله به لحاظ بیان مسائل عرفانی است و با آگاهی از میزان تأثیرگذاری این شکل به آن پرداخته، می‌توان گفت آرایش صرف کلام مدنظر ایشان نبوده است؛ بنابراین آشنایی با اشکال و مفاهیم پارادوکس در دیوان امام راهی برای آشنایی بیشتر با اندیشه و زبان شعر ایشان است. جدول زیر بسامد حضور پارادوکس را در قالب‌های شعری دیوان اشعار امام خمینی نشان می‌دهد. از آنجا که روح غزل با مفاهیم عرفانی سازگار است، بیشترین بسامد را این قالب و سپس با فاصله چشمگیری رباعی و قطعه به خود اختصاص می‌دهند. پارادوکس در سایر قالب‌های شعری هم حضوری هرچند کمرنگ دارد.

#### ۴۴ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

بسامد پارادوکس در قالب‌های شعری دیوان امام (ره)

| درصد | ٪.۸۵ | ٪.۸ | ٪.۴ | ٪.۱ | ٪.۱ | ٪.۱ | فرمودنی پارادوکس |
|------|------|-----|-----|-----|-----|-----|------------------|
|------|------|-----|-----|-----|-----|-----|------------------|

### ۳.۱. ساختمان تصویرهای پارادوکسی در دیوان امام

همانطور که پیش از این گفته شد، متناقض‌نمایی یکی از روش‌های آشنایی‌زدایی و زیبایی‌آفرینی در زبان است. این روش در محتوای کلام اتفاق می‌افتد و بر خلاف ظاهر نامعقولش حقیقتی نهانی دارد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۷۱). گاه این تناقض ربطی به مضمون و مفاهیم ندارد؛ بلکه جمع الفاظ در شدن یک معنی است که با هم تناقض دارند (ر.ک: همان: ۲۸۴). تصویرهای پارادوکسی در دیوان اشعار امام به سه دسته تقسیم می‌شوند که به ترتیب بسامد عبارتند از: عبارت‌های پارادوکسی، ترکیب‌های اضافی و ترکیب‌های اضافی بر اساس حس‌آمیزی.

(الف) عبارت‌های پارادوکسی: عبارت‌های پارادوکسی با٪.۸۲، پربسامدترین شکل تصویرهای پارادوکسی را در دیوان اشعار امام به خود اختصاص می‌دهند که تنها به چند نمونه اشاره می‌شود. در بیت زیر حقیقت سکر و صحو در عالم عرفانی جز با بیانی متناقض‌نما به زبان نمی‌آید و اینجاست که سراینده بیداری را به خواب تعبیر می‌کند: آنچه دیدم ز حریفان همه هوشیاری بود در صف می‌زده بیداری من خواب من است (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۷)

و یا در نمونه‌ای دیگر، اگرچه در ظاهر «هست و نیست» رابطه‌ای متضاد دارند و هریک وجود دیگری را نفی می‌کند؛ اما در فراواقعیت با یکدیگر در آشتی‌اند و ناسازی نیست: عالم اندر ذکر تو در شور و غوغاهست و نیست باده از دست تو اندر جام صهبا هست و نیست (همان: ۶۹)

(ب) ترکیب‌های اضافی: این ترکیب‌ها با ۱۵٪ دومنین شکل از تصاویر پارادوکسی در دیوان اشعار امام خمینی است که آن هم در خدمت بیان مفاهیم ژرف عرفانی می‌آید. مفاهیمی که تنها با «زبان بی‌زبانی» می‌توان آن را بیان داشت:

### \_\_\_\_\_ متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۴۵)</sup> (۳۸-۵۹)<sup>(۴۶)</sup> \_\_\_\_\_

گوییم به زبان بی زبانی در جمیع بتان نازنینم  
(همان: ۲۸۷)

و با رابطه عاشق و معشوق در عشقی حقیقی که نه در بیان وصل و نه در بیان هجر  
می‌گنجد:

در عشق روی اوست همه شادی و سرور در هجر وصل اوست همه زاری و نزار  
(همان: ۱۲۰)

ج) ترکیب‌های اضافی بر اساس حس آمیزی: این ترکیب‌ها با ۳٪ سومین شکل تصاویر پارادوکسی در دیوان اشعار امام خمینی است. هر چند بسامد زیادی ندارد؛ اما لطافتی خاص به کلام سراینده بخشیده است. آنجا که در عالم عشق، حتی هجران تلخ به کام عاشق راستین شیرین است:

نازپورده رهآورده دل پر خون نداند تا نگشتی کوهکن شیرینی هجران ندانی  
(همان: ۹۸)

عشق برای عاشق دردی می‌آفریند که با دردهای ظاهری و گریختنی متفاوت است. این درد، دردی آویختنی است و عارف از آن به شیرینی یاد می‌کند و جز غم غم‌خواری ندارد: با که بتوان گفت از شیرینی درد غم یار جز غم دلدار عاشق پیشه غم‌خواری ندارد  
(همان: ۷۷)

### ۲.۳. مفاهیم پارادوکسی در دیوان اشعار امام خمینی

کارکرد متناقض‌نمایی در اشعار امام خمینی مانند سایر نمونه‌های متناقض‌نما در ادبیات به گونه‌ای است که توجه مخاطب را به سخن جلب می‌کند و شگفتی وی را بر می‌انگیزد؛ چون مخاطب در نظر اول مطلبی به خلاف عقل می‌بیند و در ادامه با تأملی بیشتر آن را درک می‌کند، از کشف معنا به لذت ادبی می‌رسد. از آنجا هم که سبک عراقی دو مختصه بارز و مهم دارد؛ یعنی عرفان و غزل (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۸۸)، در دیوان اشعار امام هم این ویژگی‌ها وجود دارد و آنها را در سبک عراقی جای می‌دهد. شعر ایشان از دقّت، لطافت الفاظ و ترکیبات برخوردار است و تا حدودی لغات و اصطلاحات عربی در آن وارد گردیده است. امام از شعر برای بیان موعظه، حکمت و طرح موضوعات اخلاقی و عرفانی استفاده نموده و معارف اسلامی از جمله آیات، احادیث و اخبار را در قالب‌های شعری ریخته و به

## ۴۶ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

شیفتگان علوم اسلامی عرضه داشته است (ر.ک: اسدی، ۱۳۷۴: ۳۰). جلوه‌های مفاهیمی هم که در این قالب و با بیانی پارادوکسی در دیوان اشعار امام (ره) مطرح می‌شوند، طیف گسترده‌ای را دربرمی‌گیرند. گستردگی این طیف نشان از جامعیت دانش و تجربه‌های عارفانه سراینده است و در ادامه با توجه به موضوع و بسامد آن بررسی می‌شوند.

### ۱.۲.۳ احوال، اعمال و کردار سالک

برخی از حقایق عرفانی آن چنان ژرف و غیرقابل بیان هستند که فصیح‌ترین و رسانترین زبان هم از بیان آن عاجز است. دسته‌ای از این حقایق، کردارهای سالک و عارف است که در راه عشق و طلب خواستار کمال است. این مفاهیم، ۱۵٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. در مملکت عشق کوچکترین خدمت پربهادرین خدمت‌هast است. در این رشتہ، تمام نظام‌های قراردادی ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند و «غلام» آن کوی در حکم «فرمانرو» می‌شود:

رو حلقهٔ غلامی رندان به گوش کن                  فرمانروی عالم کون و فساد باش  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۲۹)

دل، از مفاهیم برجسته عرفانی‌ای است که در اشعار امام با زبانی پارادوکسی تعریف می‌شود. در فرهنگ‌های اصطلاحات عرفانی هم در تعریف دل آمده: «دل در اصطلاح معانی مختلفی دارد. از جمله عبارت از: نفس ناطقه و محل تفصیل معانی است و به معنی مخزن اسرار حق که همان قلب باشد نیز هست. ... دل مخزن اسرار الهی است» (سجادی، ۱۳۷۰: ۳۸۷-۳۸۸). از همین روست که دل عارف که محلی برای تجلیات صفات جلالی و جمالی حضرت ذوالجلال محب‌الجمال است و جز با بیانی متناقض‌نما تقریر نمی‌شود:

دل که آشفتهٔ روی تو نباشد دل نیست                  آنکه دیوانهٔ خال تو نشد عاقل نیست  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۷)

صبر و شکیبایی از مقام‌های طریقت سالکان است که در زبان عارفان «ترک شکایت از سختی و بلا نزد غیر خدا است و صابر کسی است که خود را چنان با بلا مزین کرده باشد که از آمدن بلا باک ندارد» (سجادی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). آنجاست که مانع موضوع و مستمع، عرصه را برای عارف تنگ می‌کند، صبری بی‌قرار پیش می‌گیرد:

### \_\_\_\_\_ متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(ر)</sup> ۴۷ (۳۸-۵۹)

در دل من از روی زرد پیش او گفت و نگفت  
پاره‌پاره جامهٔ صبر و شکیبایی هست و نیست  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۹)

#### ۲.۲.۳. نیستی و هستی

نیستی در اصطلاح عرفانی، مقام فنا است و مفهوم نیستی هستی ۱۲٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد؛ منزل عاشق منزل نیستی است و نیستی «در اصطلاح آن است که در طریق دوستی حق فنا شوی و دو گیتی در سر دوستی دهی» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۷۵)؛ این در حالی است که «هستی و وجود در اصطلاح صوفیه وجود بدون استشار به وجود است» (همان: ۷۸۱). بنابراین تا سالک در مقام منیّت خود گرفتار باشد، به مقام مایی نمی‌رسد؛ از این روست که عارف تمام هست‌ها را چون هنوز با منیّت همراه است و برای او خالی نشده، «هست» خوانده و از آن جا که در این بینش جز خدا چیزی وجود ندارد، آن‌ها را «نیست» می‌خواند:

نیستم نیست که هستی همه در نیستی است      در سرم نیست به جز خاک درت سودایی  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸۶)

از همین روست که سالک عارف در پی آنست تا با گذشت از پرده‌های حجاب به هستی حقیقی دست یابد:

مُردم از زندگی بی‌توکه با من هستی      طرفه سری است که باید بر استاد برم  
(همان: ۱۵۴)

#### ۳.۲.۳. مفاهیم میخانه‌ای

اصلی‌ترین بخش پارادوکس در دیوان اشعار امام، با عرفان قلندری و ملامتی پیوند می‌خورد. این واژگان جدا از بار معنایی که در عرفان به خود اختصاص داده‌اند، برای ثقلی‌ترین معانی عرفانی که گاه متضمن متناقض‌نمایی می‌شود، بهترین و مناسب‌ترین واژگان هستند و در دیوان اشعار امام هم ۱۰٪ از مجموع پارادوکس‌ها را هم به خود اختصاص می‌دهند که در ادامه به مواردی اشاره می‌شود.

باده از برجسته‌ترین اصطلاحات و مفاهیم عرفانی است که در تعریف آن آمده: «باده عشق را گویند وقتی که ضعیف باشد و این عوام را باشد در بدایت سلوک» (سجادی، ۱۳۷۰: ۱۷۷). در اشعار عارفانه امام هم «غلیان عشق ناشی از تجلیات پی در پی است که از

#### ۴۸ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

این روی آن را «باده عرفان» گفته‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۲۰)؛ از این رو است که این باده به جای سکر و بی‌هوشی، موجب صحو و هوشیاری است: **تا بهوش/زقده باده مستانه شویم** (همان: ۱۷۰)

ساغر در لغت جام شراب و در عرفان از ابزارهای دیگر هشیارکننده است که در تعریف این اصلاح عرفانی هم می‌خوانیم: «دل عارف است که انوار غیبی در آن مشاهده شود» (سجادی، ۱۳۷۰: ۲۵۱). مراد از ساغر در اشعار عرفانی امام هم دل عارف است که انوار غیبی در آن مشاهده می‌شود؛ از همین روست که این جام سکرآور، این‌گونه صحوب‌بخش توصیف می‌شود:

**همه می‌زدگان هوش خود از کف دادند** ساغر از دست روان‌بخش تو هشیارم کرد (همان: ۸۲)

میخانه هم از دیگر برجسته‌ترین اصطلاحات عرفانی است که «باطن عارف کامل است که در آن شوق و ذوق و عوارف الهی بسیار باشد، به معنی عالم لاہوت نیز آمده است» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۵۲). این مفهوم در اشعار عرفانی امام هم «عالم لاہوت و نیز باطن عارف کامل است که در آن، شوق و ذوق و عوارف الهی بسیار باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۳۹). به همین دلیل است که میخانه برخلاف معنای ظاهری‌اش، در عرفان مکانی است که به طریق محبت حق را در آنجا مناجات می‌کنند و سالک راه حق را به درگاه خداوند از آنجا می‌جوید و پیر طریقت را به یاری می‌خواند: **ساقی ز جام باده مرا کرد هوشیار هشدار ده به پیر خرابات از غمم** (همان: ۱۲۲)

#### ۴.۲.۳. مفاهیمی از طبیعت

طبیعت، پدیده‌ها و اجزای آن هم می‌توانند وسیله و ابزاری برای بیان حقایق عرفانی شوند تا مفاهیم دشوار را برای درک ذهن آسان‌تر سازند. این ابزار گاه برای مضامین پارادوکسی هم استفاده می‌شوند. این نوع کارکرد در اشعار امام، ۹٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد نظیر:

ای آفتاب نیمه شب/ای ماه نیم روز ای آنجم دوربین که نه ماهی نه آفتاب (همان: ۴۷)

## \_\_\_\_\_ متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۱)</sup> ۴۹ (۳۸-۵۹)

در بینش امام، جهان موج دریایی است که باید خود را به ساحل مقصودش رساند. برای رسیدن به این مقصود هم چاره‌ای جز غرق شدن نیست و «غرق شدن، گذشتن از تمام تفرد و استغراق در مرتبهٔ جمع» است (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۰۷) و «غرقه سالکی را گویند که از طغيان طوفان افسردگی که از چاه طبیعت برآمده و عرصهٔ وجود را گرفته باشد و به مهلكه و اضطراب افتاده» (سليماني، ۱۳۹۱: ۴۳۴؛ اما اين اضطراب و مهلكه عين آرامش و مقصود است:

این غرق شدن همی بود ساحل ما  
گر نوح ز غرق سوی ساحل ره یافت  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۴)

### ۵.۲.۳. شيريني و شادي غم

درد و رنج همواره بر جسم و جان آدمی مایهٔ عذاب و ناخشنودی است؛ اما چگونه می‌شود دردی مایهٔ شادی و حتی لذت‌بخش باشد؟! هنگامی که سالک و عارف قدم در راه عشق می‌نهند، تمام دردها و سختی‌ها برخلاف غم‌های دنيايی برایشان شيرين‌تر از هر شيرينی است و اين آغاز غم عشق است. غمی که «اهتمام تمام عاشق را در طلب حضور و مواصلت تا که مؤانست او در فراق به همان غم باشد که ذکر محظوظ است» (سليماني، ۱۳۹۱: ۳۴۳) و «غم‌خواری هم صفت رحيمي حق به سالک را گويند» (سجادی، ۱۳۷۰: ۶۰۸). از اين روست که غم عشق در عين درداور بودنش برای عاشق خواستني و مطلوب می‌شود. در اشعار امام هم اين غم از جايگاه و توجه ويزه‌اي خصوصاً در مفاهيم پارادوكسي بخوردار است و ۹٪ از متناقض‌نماها را به خود اختصاص می‌دهد. اين شيريني و شادي در عشق متناقض‌نما جلوه می‌کند و هجران هم که سخت‌ترین غم عاشق است، مطلوب و خواستني می‌شود:

لذت عشق تو را به جز عاشق محزون نداند  
رنج لذت‌بخش هجران را بجز مجنون نداند  
(امام خمیني، ۱۳۷۶: ۹۸)

اینجاست که اندوه و شادي عارف چنان با هم درمی‌آمیزد که بيانی جز تناقض نمی‌يابد:  
ای شادي من غصه من اى غم من      اى زخم درون و اى مرهم من  
(همان: ۲۳۵)

### ۶.۲.۳. هجر وصل

هجران برخلاف معنی لغوی آن که دوری است، در عرفان اصطلاحی است برای «التفات ظاهری و باطنی سالک به غیر حق را گویند» (سبجادی، ۱۳۷۰: ۷۹۶). همانطور که در تعریف وصال می‌خوانیم: «وصل / وصل، وحدت حقیقت است و چون سر به حق متصل گشت، جز حق نبیند و نفسش را از خود طوری غایب گرداند که از کس خبر ندارد» (همان: ۷۸۶). جمع فراق در وصال زمانی محقق می‌شود که تجاییات الهی حضور دارند و روان سالک حاضر نیست. این مضمون هم  $\frac{1}{8}$  از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد نظیر:

همبستر دلدار وز هجرش به عنایم در وصل غریبیم و به هجران مدایم  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴۶)

سالک خواستار درک حضور ذات احادیث است که فراق را پرده‌ای برای حضور و درک لذت این حضور می‌خواند:

رسم آیا به وصال تو که در جان منی هجر روی تو که در جان منی نیست روا  
(همان: ۴۳)

### ۷.۲.۳. حالات و احوال سالک

گاه طیفی از حالات و احوال مختلف سالک بستری می‌شوند که عارف آن‌ها را وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم درک شده‌اش می‌کند. این مفاهیم که  $\frac{1}{6}$  از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، باید به گونه‌ای برای مخاطب ملموس باشند که درک پیام مورد نظر سراینده را راحت‌تر سازند و از این روست که هشیاری سراینده در انتخاب این مفاهیم روش‌تر می‌شود نظیر:

آرام مابه سایه سرو روان ماست با خلديان بگو که شما و قصور خويش  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۵)

آرامش و سکون در حرکت خوانده شده؛ چرا که کمال در شدن است نه بودن و نه ماندن. در نمونه دیگر نیز خواب که رمز غفلت است و اینجا مقصود، غفلت از خویشتن و خویشتن خویشتن است با مفهوم بیداری گره خورده است. رنج هم یکی از احوالات انسانی و در شمار اصطلاحات عرفانی هم هست که «ریاضت نفس و مخالفت دل را گویند با نفس»

### \_\_\_\_\_ متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(ر)</sup> ۵۱ (۳۸-۵۹)

(سلیمانی، ۱۳۹۱: ۳۵۰)، رنجی که سالکان از پیر و جوان باید در سیر طریقت به جان بخربند:

جمله خوبان بر حسن تو سجود آوردند      این چه رنجی/ست که گنجینه پیر و بُرنا است  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۴۹)

پریشان حالی هم از دیگر احوالات سالک طریقت است که سالک عاشق را به خود دچار می‌کند:

من پریشان حالم از عشق تو و حالی ندارم      من پریشان گوییم از دست تو آدایی ندارم  
(همان: ۱۴۹)

### ۸.۲.۳. فقر و افتخار

فقر، از دیگر اصطلاحات عرفانی است که به بی‌نیازی از ماسوه... تعبیر می‌شود و «در اصطلاح صوفیان نیازمندی به خدا و بی‌نیازی از غیر اوست و فقیر، درویشی را گویند که سالک طریق کمال باشد» (رجایی بخارایی، ۱۳۸۹: ۵۰۹). چون تنها خداست که بی‌نیاز و ستوده است و باقی، همه نیازمند او. مفاهیمی که با فقر ساخته می‌شوند، ۶٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در نمونه‌ای می‌بینیم که هنر تشبیه هم در استخدام این مفهوم عرفانی متناقض‌نمایی می‌آید و کشکول فقر موجب مباہات و فخرفروشی خوانده می‌شود:

کشکول فقر شد سبب افتخار ما      ای یار دلفریب بیفزای افتخار  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۲۲)

### ۹.۲.۳. ممکن واجب

وجود، از اصطلاحات و مفاهیم بر جسته در ادبیات عرفانی است که در اصطلاح «از میان رفتن اوصاف فرد به واسطه پنهان شدن از اوصاف بشریت است؛ زیرا که چون سلطان حق و حقیقت ظهور کند، بشریت باقی نماند» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۸۱). بنابراین هر چند به ظاهر مفهوم ممکن‌الوجود مفهومی است که در تقابل با واجب‌الوجود قرار دارد؛ اما هنگامی که این مفهوم وارد عرفان شود، ماهیت خود را از دست می‌دهد و برای درک معنای آن باید دست به تفسیر یا تأویل زد. این مفاهیم هم ۴٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و گاه پیاپی نیز می‌آیند تظیر:

## ۵۲ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

ممکن اندر لباس و جب پیدا  
و جب اما شاعر خالق اکبر  
ممکن اما چه ممکن، علت امکان  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۵۳)

### ۱۰.۲.۳ درد درمانگر

برای سالک عاشق، درد عشق دردی متفاوت از دردهای دنیایی است که خود در حکم درمانگری است و طبیبانه درمانگری می‌کند؛ چنانکه در تعریف درد آمده: «حالتی مُرقّ را گویند که ناشی از خلوص محبت باشد و محب را تحمل آن مقدور نباشد، اما حدوث آن موجب توجه مزید عاشق گردد و بدرقه وصول به حریم معشوق بود، اما از اختلاط قوی و سرّ الهی با هم» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). این‌گونه پارادوکس‌ها هم ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. جوینده مکتب عشق خواهان درد است و این درد برخلاف دردهای معمول لذت‌بخش و خواستنی است:

آنکه دامن می‌زند بر آتش جانم طبیب است

آنکه روزافزون نماید درد من، آن خود طبیب است  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۱)

### ۱۱.۲.۳ خراب آباد

خراب آبادی از پارادوکس‌های رایج در عرفان است که رمزی در شناخت حق تعالی است. در این منظومه هم ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در خزان که بهار عرفاست هم خداوند «کلّ یوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» است؛ از این روست که در این رکود و جمود هنوز هم نشانی از حیات در هیأتی از نزوایی به هنگام بهار است:

به هنگام خزان در این خراب آباد بنشینم      بهار آمد که بهر وصل او بار سفر گیرم  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۵۲)

### ۱۲.۲.۳ پیدایی و پنهانی

تجّلی ذات حق از یک سو با پیدایی و از سوی دیگر با پنهانی ذات او در پیوند است. از مجموع پارادوکس‌ها پیدایی و پنهانی ۳٪ را به خود اختصاص می‌دهد؛ از این روست که در کلام الله هم آمده «هُوَ الْأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حديد/۳). خداوند، پیدایی پنهانی است که سرآغاز و سرانجامی ندارد و نهان او، آشکار و آشکار او نهان است:

### \_\_\_\_\_ متنافق‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۱)</sup> ۵۳ (۳۸-۵۹)

پرده برداشت ز اسرار ازل، پیر مغان      باز شد در بر رندان گرۀ فاش نهان  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۸۲)

#### ۱۳.۲.۳. در پرده‌گی و بی‌حجابی

پرده که گاه با عنوان حجاب در مفاهیم عرفانی آمده، ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص داده است و در اصطلاح همان حجاب است و «حجاب در لغت به معنی پرده و فاصل میان دو چیز است و به اصطلاح صوفیه هر چیزی که انسان را از خدای تعالی بازدارد» (رجایی بخارایی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). از سوی دیگر هم، نقاب «حجاب میان محظوظ و محب را گویند» (سجادی، ۱۳۷۰: ۷۶۹). سالک طریقت باید از پرده‌ها و حجاب‌ها بگذرد تا حقیقت را از پس نقاب درک کند. با وجود درک این حقیقت مانع موضوع و کلام بیان عارف را دچار تناقض می‌کند:

ای خوب رخ که پرده‌نشینی و بی‌حجاب      ای صد هزار جلوه‌گر و باز در نقاب  
(همان: ۴۷)

#### ۱۴.۲.۳. بی‌شادی شادی

شادی، در مفاهیم عرفانی نیز مفهومی متفاوت از مفاهیم دنیایی است و ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. آنجا که غیرمحظوظ و هرچه مربوط بدان است، مایه رنج و ملالت است و تنها محظوظ است که به عاشق طعم شادی می‌چشاند:  
شادی به جز از دیدن او رنج بود      شادی بزدایی و از دلهم شادم کن  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۲۳۳)

#### ۱۵.۲.۳. پر پرواز کردن

عشق چنان قدرتی به عاشق می‌بخشد که تمام محدودیت‌ها نه تنها محدودیت نیستند؛ بلکه خود در حکم ابزار و وسیله‌ای برای وصول و نیل به حق می‌شوند. ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را هم این مضمون به خود اختصاص می‌دهد. این‌گونه است که سالک راه حق حتی با وجود پر پر شدن بال‌هایش باز هم به سوی حق پرواز می‌کند:  
پر پر شدم ز دوری او کنج این قفس      این دام بازگیر تا که معّلق زنان پرم  
(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۱۵۱)

### ۱۶.۲.۳. بیدلی دل

دل که در اصطلاح عرفانی همان قلب است که در لسان عرفا «محل و مخزن اسرار الهی است» (سجادی، ۱۳۷۰: ۳۸۸). عاشق بیدل هم «دل از دست داده را گویند که در عاشقی و شیدایی بی‌فراست باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۲۲). این مفاهیم که ۳٪ از مجموع پارادوکس‌ها را به خود اختصاص داده است. در این بین، تنها می‌توان با تأویل این متناقض-نما را درک کرد که چگونه عاشق بی‌دل عاشق شده؛ چرا که او دل از دست رفته است:

عاشق دوست ز رنگش پیداست      بیدلی از دل تنگش پیداست

(امام خمینی، ۱۳۷۶: ۵۰)

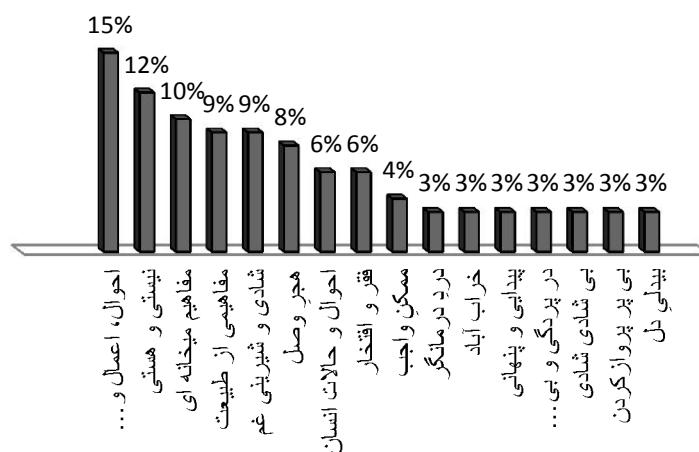
### نتیجه‌گیری

پارادوکس یا متناقض‌نمای هنری، یکی از وجوده آشنایی‌زدایی در کلام و معنای اشعار امام خمینی<sup>(۹)</sup> است. با توجه به اینکه جوهره شعر با پارادوکس در پیوند است و پارادوکس از مهم‌ترین مختصات عرفان و بر جسته‌ترین نوع تضاد در بدیع معنوی است؛ در اشعار امام علاوه بر آنکه به خوبی حس زیبایی‌شناسی خواننده را اقناع کرده موجب تفہیم و انتقال معانی ژرف عرفانی هم شده است که انتقال آن، جز با بیانی پارادوکسی غیرممکن است. در پس این ظاهر متناقض‌نما، حقیقت پنهانی وجود دارد که موجب سازگاری میان طرفین ناساز می‌شود و برای درک آن جز تفسیر یا تأویل راهی دیگر وجود ندارد. تعالیم و تجربه‌های اصیل در عرفان امام<sup>(۱۰)</sup> نیز با توجه به خصوصیت ذاتی آن با این زبان بیان می‌شود. انواع متناقض‌نما هم در لفظ و هم در محتوای اشعار دیوان امام خمینی وجود دارد که به ترتیب بسامدشان عبارتند از: عبارت‌های پارادوکسی (۰.۸۲)، ترکیب‌های اضافی (۰.۱۵) و ترکیب‌های اضافی بر اساس حس‌آمیزی (۰.۳). یافته‌ها نشان می‌دهند که متناقض‌نمایی‌های دیوان اشعار امام خمینی<sup>(۱۱)</sup> اغلب در غزل‌های عرفانی و پیرامون کردارها و احوالات سالک، فنا در نیستی و هستی، مفاهیم میخانه‌ای و مانند اینهاست. غزل با سهم ۸۵٪ برای معانی عرفانی به‌ویژه با بیانی پارادوکسی مناسب‌ترین قالب، برای این کارکرد است و پس از آن رباعی با سهم ۸٪ جایگاه دوم را به خود اختصاص می‌دهد. قصیده هم با ۴٪ سومین جایگاه را دارد که امام<sup>(۱۲)</sup> در آنها از درهم آمیختن اضداد برای تبیین هستی مطلق و نظام مبتنی بر وحدت استفاده کرده و در فضاسازی شاعرانه با شگردهای زیبایی‌شناسختی توجه خوانندگان را به

## \_\_\_\_\_ متنافق‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(ر)</sup> ۵۵ (۳۸-۵۹)

معانی بلند جلب می‌کند. شناخت این متنافق‌نماها و تفسیر و تبیین آنها به ما کمک می‌کند که اندیشه و زبان شعری ایشان را بهتر بشناسیم. در جدول زیر مفاهیم پارادوکسی بر اساس بسامد حضورشان در دیوان اشعار عرفانی امام نشان داده شده است.

جدول مفاهیم پارادوکسی در دیوان امام<sup>(ر)</sup>



## ۶۵ فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

### کتاب‌نامه

قرآن کریم.

احمدی، بابک. ۱۳۷۲. ساختار و تأویل متن. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز.

استیس، و.ت. ۱۳۶۷. عرفان و فلسفه. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. چاپ سوم. تهران: سروش.

اسدی، محمد رضا. ۱۳۷۴. پژوهشی در شیوه‌های ادبی آثار امام خمینی. چاپ اول. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

اسفندیارپور، هوشمند. ۱۳۸۸. عروسان سخن (نقد و بررسی اصطلاحات و صنایع ادبی در پدیدع). چاپ سوم. تهران: آگاه.

چناری، امیر. ۱۳۷۷. متناظر نمایی در شعر فارسی. چاپ اول. تهران: فروزان.

خمینی، روح ا... . ۱۳۷۶. دیوان امام: سروده‌های حضرت امام خمینی<sup>(۴)</sup>. چاپ نهم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۵)</sup>.

حائری، محمدحسن و ابراهیم رحیمی زنگنه. ۱۳۸۹. «مبانی نظری شطحيات عرفانی از نگاه مولانا». مجله زبان و ادبیات فارسی، سال یازدهم، شماره ۴۳. صص ۴۶-۳۳.

دادستانی بیرکی، علی. ۱۳۸۶. امام خمینی<sup>(۶)</sup> از دیدگاه نخبگان جهان. چاپ سوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی<sup>(۷)</sup>.

دیچنر، دیوید. ۱۳۷۰. شیوه‌های نقد ادبی. ترجمه محمد تقی صدیقانی و غلامحسین یوسفی. چاپ سوم. تهران: سخن.

رجایی بخارایی، احمد علی. ۱۳۶۴. فرهنگ اشعار حافظ. چاپ اول. تهران: انتشارات علمی.

سجادی، سید جعفر. ۱۳۷۰. فرهنگ اصطلاحات عرفانی. تهران. چاپ اول. کتابخانه طهوری.

سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. ۱۳۹۲. راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه عباس مخبر. چاپ پنجم. تهران: طرح نو.

سلیمانی، مرضیه. ۱۳۹۱. اصطلاحات صوفیان. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

شفیعی کدکنی، محمد رضا. ۱۳۷۰. موسیقی شعر. چاپ سوم. تهران: آگاه.

----- ۱۳۷۹. شاعر آینه‌ها. چاپ پنجم. تهران: آگاه.

- ۱۳۹۱. رستاخیز کلمات. چاپ اول. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس. ۱۳۷۸. نقد ادبی. چاپ اول. تهران: سخن.
- ۱۳۸۶. سبک‌شناسی شعر. چاپ سوم. تهران: میترا.
- ۱۳۹۰. نگاهی تازه به بدیع. چاپ چهارم. تهران: میترا.
- فتوحی رودمعجنی، محمود. ۱۳۸۵. بلاخت تصویر. تهران: سخن. چاپ اول.
- گلی، احمد و سردار بافکر. ۱۳۸۷. «متناقض‌نمایی (پارادوکس) در شعر صائب». پژوهش‌های ادبی. سال پنجم. شماره ۲۰. صص ۱۳۱-۱۵۹.
- مرتضایی، سید جواد. ۱۳۸۵. «نقد و تحلیل پارادوکس در روند و سیر تاریخی و بلاغی». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم. شماره ۴۷. صص ۲۱۷-۲۳۵.
- واعظ، بتول و غلامرضا پارسا. ۱۳۹۰. «تضاد در عین وحدت (پارادوکس) در مثنوی و غزلیات شمس». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. دوره دوازدهم. صص ۱۷۱-۱۹۱.
- واعظ، بتول و نیره صدری. ۱۳۹۱. «خاستگاه متناقض‌نمایی در سبک شخصی حافظ». متن-پژوهی ادبی. دوره شانزدهم. شماره ۵۲. صص ۱۳۲-۱۶۰.
- وحیدیان کامیار، تقی. ۱۳۷۶. «متناقض‌نما (پارادوکس) در ادبیات». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. سال بیست و سوم. شماره‌های ۴۳ و ۴۴. صص ۲۷۱-۲۹۴.
- وزیله، فرشید. ۱۳۸۶. «متناقض‌نما در غزلیات حافظ». ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. دوره سوم. شماره هفتم. صص ۱۴۹-۱۷۳.
- یوسفی، محمدرضا و الهه حیدری. ۱۳۹۱. «تور سیاه پارادوکس زیبای عرفانی». ادیان و عرفان. سال چهل و سوم. شماره دوم. صص ۱۷۱-۱۹۱.

The Holy Quran.

Ahmadi, Babak. 1372. **Text structure and interpretation**. second edition. Tehran: Center publishing.

Stace, etc. 1367. **Mysticism and Philosophy**. Translation by Baha'uddin Khorramshahi. Third edition. Tehran: Soroush.

- Asadi, Mohammad Reza. 1374. **Research in Literary Practices of Imam Khomeini's Works**. First Edition. Tehran: Cultural Organization of the Islamic Revolution.
- Esfandiarpour, smart. 1388. **Word of the Blessed One** (Review of Literary Terms and Techniques in the Exquisite). Third edition. Tehran: Awareness.
- Chenari, Amir. 1377. **Paradoxical representation of Persian poetry**. First Edition. Tehran: Forouzan.
- Khomeini, Ruhollah. 1376. **Imam's Court: Imam Khomeini's poems**. Ninth edition. Tehran: The Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Dastanaki Birki, Ali. 1386. **Imam Khomeini from the viewpoint of the elite of the world**. Third edition. Tehran: The Institute for the Setting up and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Diachny, David. 1370. **Methods of literary criticism**. Translated by Mohammad Taghi Sediqani and Gholam Hossein Yousefi. Third edition. Tehran: Speech.
- Rajaei Bukharaei, Ahmad Ali. 1364. Hafez poetry culture. First Edition. Tehran: Scientific publications.
- Sajjadi, Seyyed Jafar. 1370. Dictionary of mystical terms. Tehran. First Edition. Tahiri library.
- Selden, Raman and Peter Widson. 1392. **Guide to contemporary literary theory**. Translation by Abbas Mokhtbar. Fifth Edition. Tehran: New Scheme.
- Soleimani, Marzieh. 1391. **Sufi terms**. Third edition. Tehran: Scientific Cultural Press.
- Shafiee Kodkani, Mohammad Reza. 1370. **Poetry music**. Third edition. Tehran: Awareness.
- 1379. **Poet Mirrors**. Fifth Edition. Tehran: Awareness.
- 1391. **Doom of words**. First Edition. Tehran: Speech.
- Shamsa, Sirus. 1378. **Literary criticism**. First Edition. Tehran: Speech.
- 1386. **Stylistics of Poetry**. Third edition. Tehran: Mitra.
- 1390. **A fresh look to the exquisite**. fourth edition. Tehran: Mitra.
- Fotohi Roodamani, Mahmoud. 1385. **Rhetoric of the image**. Tehran: Speech First Edition.

متناقض‌نمایی در اشعار عرفانی امام خمینی<sup>(۱)</sup> ۵۹ (۳۸-۵۹)

Goli, Ahmad and Sardar Bafber. 1387. Paradox in Saeb Poetry. **Literary research**. Fifth year Number 20, Pages 131-159.

Mortazai, Seyyed Javad, 1385. "Analysis and analysis of paradox in the process of historical and rhetoric". **Faculty of Literature and Humanities University of Isfahan**. Second period Number 47. Pages 217-235.

Preacher, Batul and Gholam Reza Parsa. 1390. "Contradiction at the same level of unity (paradox) in Shahnameh's Masnavi and Ghazalites". **Explore Persian Language and Literature**. Twelfth grade Pages 171-191.

Vaez, Batul and Nayra Sadri. 1391. "Controversial origins in Hafez's personal style". **Literary scholarship**. Sixteenth. Number 52. pp. 132-160.

Vahidian Kamyar, Taghi. 1376. "Paradox in Literature". **College of Literature and Human Sciences of Ferdowsi University of Mashhad**. 23rd year Number 3 and 4. Pages 271-294.

Wesley, Farshid. 1386. "Paradoxically in the Hafiz Ghazalat". **Mystical and mythological literature**. The third time Seventh Pages 149-173.

Yousefi, Mohammad Reza and Elaheh Heidari. 1391. "The Black Light of the Beautiful Mystical Paradox". **Religions and mysticism**. Forty-third year. Second Pages 171-191.